جذبا

حبیب مکرّم جناب کربلائی آقا حسین علیه بهآء اللّه ملاحظه فرمایند

١۵٢[[1]](#footnote-1)۱

بسم ربّنا الأعظم الأعزّ الأقدم العلیّ الأبهی

سبحان من زیّن العالم بطراز العلم و العرفان و اقام المخلصین مقام امره بین ملإ الامکان اولئک عباد نطقت بثنائهم کتبه و زبره و الواحه بهم انار افق الیقین و قام کلّ عظم رمیم اولئک عباد ما منعتهم جنود العالم عن التّوجّه الی الاسم الأعظم و لا ضوضائهم عن هذا الأمر الأقدس الأظهر الأطهر الأکرم یصلّینّ علیهم الملأ الأعلی و سکّان مدائن الأسمآء

 سبحانک یا سرّ الوجود و مقصود القلوب اسألک بعظمة عرشک الّذی استویت علیه فی مقامک المحمود بأن تحفظ عبادک و خلقک و اولیائک و اصفیائک عن الّذین نقضوا میثاقک و جادلوا بآیاتک و جاحدوا برهانک و کفروا بک و بما عندک ای ربّ انت الکریم ذو الرّحمة الواسعة و ذو الشّفقة الکاملة قد شهد بکرمک کلّ الوجود من الغیب و الشّهود اسألک بنسائم فجر یومک الّتی بها تحرّکت فی القبور عظام بریّتک بأن ترزقهم کوثر الاستقامة من ایادی عطائک و تکتب لهم من قلم العنایة ما کتبته لأمنائک و اصفیائک لا اله الّا انت الغفور الکریم و انت السّامع المجیب و انت العالم البصیر لا اله الّا انت المقتدر القدیر

 و بعد قد سرّنی کتابکم بما وجدت منه عرف ذکرکم محبوبی و محبوبکم و مقصودی و مقصود من فی السّموات و الأرض فلمّا قرأت و عرفت هزّتنی نفحات حبّکم و فوحات ودّکم قمت و قصدت مقصد العالم و حضرت تلقآء العرش اذ کان مستویاً فی سرادق عظمته علی جبل من الجبال و عرضت ما فی کتابکم اذاً نطق لسان العظمة بما عجزت عن ذکره السن العالم و الخادم یذکر لجنابکم بعض ما حفظه بقدرته و امره و سلطانه قوله جلّ و عزّ

بسمی القائم علی الأسمآء

سبحان الّذی انزل الآیات و اظهر العلامات و نطق بأعلی النّدآء فی اوّل الأیّام انّه لا اله الّا انا العزیز الوهّاب قد ظهر و اظهر للعباد ما ینفعهم فیکلّ عالم من عوالم ربّهم العزیز المختار من النّاس من عرف و تقرّب و منهم من اعرض و انکر بما اتّبع کلّ غافل مرتاب قل تاللّه هذا یوم تضوّع عرف القمیص بین العالم و ینادی الاسم الأعظم بأعلی النّدآء بین الأرض و السّمآء و یدع الشّرق و الغرب الی الأفق الأعلی المقام الّذی فیه تنطق سدرة المنتهی انّه لا اله الّا هو الفرد الواحد العزیز الغفّار کم من عاص اقبل و فاز و کم من عالم استکبر علی اللّه منزل الآیات و کم من جاهل اخذه جذب الآیات علی شأن نبذ ما عند القوم عن ورائه مقبلاً الی العزیز العلّام کم من فقیر سمع تغرّدات طیر البقآء و کم من امیر اعرض عن اللّه مالک الرّقاب قل یا ملأ الأرض ان افتحوا ابصارکم لأریکم ما اشرق من افق الظّهور تاللّه قد تجلّی الرّحمن بأسمائه الحسنی ان اقبلوا و لا تتّبعوا الأوهام کذلک نطق القلم الأعلی امراً من لدن مالک الأسمآء طوبی لسمیع سمع و ویل لکلّ غافل مکّار قد حضر العبد الحاضر بکتابک و عرضه تلقآء الوجه و نزّل لک هذا الکتاب الّذی جعلناه فصل الخطاب اذا فزت به ان اقرأه بربوات المخلصین و قل لک الحمد یا مشرق الأنوار انّا نذکر احبّائنا فیهناک و نکبّر علی وجوههم من هذا المقام البهآء المشرق من افق عنایتی علیک و علیهم و علی کلّ مقبل صبّار و کلّ موحّد بصّار انتهی الحمد للّه از اشراقات انوار آفتاب معانی آنجناب و جمعی و نفوس مذکوره منوّر گشتند هر ذکری که مخصوص هر نفسی از قلم اعلی جاری شده و میشود او معطی حیات و ممدّ اوست در عالم ولکن ناس از این فضل اعظم و فیض اکرم غافلند نقطهٴ اولی روح ما سواه فداه میفرماید کل از برای آنست که یکبار در ساحت اقدسش مذکور آید در شب و روز از مطلع بیان رحمن فرات عنایت جاری ولکن کل غافل الّا من شآء اللّه از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که عباد خود را از این رحمت کبری و عطیّهٴ عظمی محروم نسازد در یکی از الواح میفرماید امروز جمیع اشیاء از آنچه مشاهده میشود بدو لسان نطق مینمایند هذا یوم فیه تحدّث الأرض اخبارها طوبی لنفس فازت باصغآء ندائه الأحلی و لوجه توجّه الی الأفق الأعلی و للسان نطق بالذّکر و الثّنآء

 و اینکه ذکر نفوس مقبله نمودید در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد مخصوص هر یک لوح اعزّ ابهی نازل انشآءاللّه بزیارت آن فائز شوند و نفحات رحمن را از او بیابند لعمر المقصود معادله نمینماید بلوحی از الواح آنچه مشاهده میشود بل بکلمه‌ئی از کلمات گویا منادی امر میفرماید بنویس بلکه بحرفی از حروف ولکن فرات رحمت بشأنی جاری و آیات اللّه بشأنی نازل که تا حال چشم ابداع شبه آنرا ندیده نعمت که باینمقام رسید شاید نزد بعضی قدرش علی ما هی علیها مستور ماند ای کاش این خادم مؤیّد میشد بر ذکر آثار و اثمار آن اگر جمیع ذرّات کاتب شوند البتّه از عهدهٴ ذکر مقام کلمة اللّه برنیایند در اینصورت اینفانی از مفقودین محسوب استغفر اللّه العظیم عمّا نطق به لسانی و خطر به قلبی

 و اینکه در بارهٴ شخص مذکور مرقوم داشتید که بعضی از احبّا اظهار رضایت ننموده‌اند امروز باید باقبال ناظر بود هر نفسی بآن فائز شد و اعتراف نمود بآنچه که لسان عظمت بآن نطق فرموده او لدی الوجه مذکور است چه که این ایّامیست که از قبل و بعد بآن بشارت فرموده‌اند و ایّام اللّه وقت رحمت و شفقت و عنایت است چه که در او آسمان فضل مرتفع است و آفتاب کرم مشرق لذا از بعضی غفلتها معفوّند مع‌ذلک باید دوستان ملاحظه نمایند و بحکمت ناظر باشند تا حال هر اسمی از اسماء در ساحت اعزّ امنع اقدس اعلی مذکور آمد اظهار عنایت در بارهٴ او شده ولکن دوستان باید ملاحظه نمایند هذا حقّ لا ریب فیه چه بسا میشود ملحدی ادّعای دوستی مینماید و قصدش نفاق و اطّلاع است الواح مبارکه را باید بنفوس موقنه داد و شخص مذکور انشآءاللّه از موقنین است انّه یقول الحقّ و یهدی النّاس الی مقامه الأقدس العزیز المنیع

 اینکه مکتوب آنجناب مزیّن بود بذکر من صعد الی اللّه یا لها من مقام لا یصل الیه ذکر الذّاکرین و لا ثنآء العارفین قد نطق فیه لسان العظمة بما لا ینقطع عرفه بدوام الملک و الملکوت و لا ببقآء العزّ و الجبروت و لا بدوام اسمائه الحسنی

 و مکتوب دیگر آنجناب وارد و عرف محبّت الهی از او ساطع الحمد للّه در یوم الهی فائزید بآنچه که جمیع ناس از علما و عرفا و غیرهم از او غافلند الّا من شآء اللّه و اینکه اراده نمودند بوکالت آنجناب اینفانی عمل نماید آنچه را که مقصود عالمیانست در لیل دهم ١٠ ماه صفر اینعبد فانی مع مکتوب قصد مقصد اعلی نموده بعد از حضور و اذن آنچه در نامه بود عرض شد اذاً نطق لسان اللّه بما طارت به الأجساد و کیف الأرواح قال جلّت عظمته و کبر کبریائه

بسمی الشّاهد الخبیر

یا حسین ذکرناک من قبل بما لاح به شمس عنایة ربّک انّه لهو المشفق الکریم ان افرح بما نزّل لک من القلم الأعلی انّه یشهد لک فیکلّ عالم من عوالم ربّک العلیم الحکیم قد اقبل الیک مالک الملل مرّة فی الجبل و اخری فیهذا القصر الرّفیع الّذی بنی لاستوآء العرش حین غفلة بانیه رغماً للّذین حبسوا المظلوم فی هذا السّجن المتین قد استقرّ عرش ربّک علی اعلی المقام و رجعنا الظّالم الی اسفل السّافلین یا حسین ان انظر فی ارادة اللّه و ما اراده الظّالمون فی هذا الیوم البدیع انّا اردنا حیاتهم و نجاتهم و هم ارادوا ضرّی و قتلی الا انّهم من الأخسرین قد حضر العبد الحاضر بکتابک الآخر و عرضه لدی المظلوم اجبناک بهذا اللّوح المبین و زار من عندک انّا قبلنا عمله فضلاً من عندنا و انا المقتدر علی ما اشآء و الحاکم علی ما ارید ان اشکر اللّه بهذا الفضل الأعظم انّه یرفع من یشآء امراً من عنده و هو المقتدر القدیر ان اذکر احبّائی من قبلی و بشّرهم بعنایة اللّه ربّ العالمین قل تمسّکوا یا احبّآء الرّحمن بما یرتفع به الأمر بین العباد کذلک انزلنا من قبل و فی هذا الحین قل ایّاکم ان یمنعکم ضوضآء العلمآء عن مالک الأسمآء دعوهم عن ورائکم مقبلین الی الفرد الخبیر ان اقتصروا الأمور علی ما یبقی به اذکارکم بدوام ملکوت اللّه العزیز الحمید انّا نکبّر من هذا المقام علیهم و علی امائی اللّائی اقبلن اذ اعرض کلّ عارف بعید یا امائی فیهناک ان استمعن ندآء المظلوم انّه یذکرکنّ فی هذا المقام الّذی جعله اللّه مطاف المقرّبین کذلک زیّنّا افق سمآء البیان بنیّر العرفان طوبی لمن شهد و رأی و ویل للغافلین البهآء من لدنّا علیک و علی من شرب رحیق الوحی باسمی العزیز البدیع انتهی للّه الحمد مرّةً بعد مرّة بعنایات حقّ جلّ جلاله فائز شدید یک مکتوب آنجناب از قبل رسید و در یومیکه سرادق عظمت بر جبلی از جبال این ارض مرتفع بود لیظهر ما نطق به اشعیا النّبیّ فی کتابه اینعبد تلقاء وجه حاضر و در آنمقرّ اعلی مکتوب را عرض نمود مخصوص آنجناب و نفوس مذکورهٴ در نامه نازل شد آنچه که کنزیست باقی در نزد او و همچنین لوح امنع اقدس مخصوص اهل زیرک علیهم بهآء اللّه نازل الحمد للّه لحاظ عنایت بآنشطر متوجّه است چندی قبل وقتی از اوقات اینعبد قصد افق اعلی نموده بعد از حضور ذکر دوستان ارض باء و ورقة‌الفردوس علیها بهآء اللّه و عنایته و فضله و مخدّره روحانی علیها بهآء اللّه و سایر دوستان را میفرمودند و همچنین ذکر قریهٴ زیرک و دوستان آن ارض از لسان عظمت جاری و نازل و مخصوص ذکر جناب حاجی محمّد علی علیه بهآء اللّه از مطلع بیان رحمن استماع شد و اینکلمهٴ علیا از مشرق وحی و بحر فضل ظاهر قوله تبارک و تعالی انّا عرّفناهم و علّمناهم و ایّدناهم علی عرفانی و حبّی طوبی لهم و لهم حسن مآب طوبی لأمّیّ فاز و ویل لعالم غرّته اهوائه الی ان کفر باللّه العلیّ العظیم

 یا محمّد قبل علی انّا سمعنا ندائک و رأینا اقبالک و وجدنا عرف خلوصک ذکرناک فی الصّحیفة الحمرآء من قلمی الأعلی ان اشکر ربّک بهذا الفضل المبین ایقن انّه لا یعزب عن علمه من شیء یسمع حنین المشتاقین و یری خضوع المتشبّثین کبّر من قبلی احبّائی فی هناک و ذکّرهم بذکری الجمیل قل طوبی لکم یا احبّائی بما نبذتم اوهام العلمآء و اخذتم ما اتاکم من لدی اللّه ربّ العالمین ان افرحوا بهذا الفضل الأعظم ثمّ اشکروا ربّکم الرّحمن الرّحیم انّا ذکرناکم مرّة علی الجبل و اخری فیهذا المقام الرّفیع قد فزتم بنعمة اللّه و المائدة المکنونة المخزونة و هی هذا اللّوح الّذی لاحت من افقه شمس عنایة ربّکم العزیز الحمید نوصیکم بالتّقوی الخالص و نأمرکم بما یرتفع به امر اللّه مالک ملکوت السّموات و الأرضین و نوصیکم فی ورقتی الّتی سمّیناها بالورقة‌الفردوس فی کتابی الحکیم و نذکر اوراقی و امائی اللّائی یذکرن اللّه فی اللّیالی و الأیّام و فی البکور و الأصیل انتهی اظهار عنایت بشأنیست که صدهزار مثل اینعبد از ذکرش عاجز است و آنچه از آن ارض و ارض باء ارسال نموده‌اند بطراز قبول فائز و اسامی کل فرداً فرداً لدی الحقّ مذکور انّه لا یعزب عن علمه من شیء و یومی از ایّام اینکلمهٴ علیا از مشرق بیان رحمن مشرق قوله جلّت عظمته ادای حقوق الهی منوط باستطاعت است اگر نفسی قادر بر او نباشد انّه یعفو عنه و هو الغفّار الکریم انتهی آنچه واقع میشود باید بروح و ریحان واقع شود هذا ما حکم به المقصود الّذی خضع له کلّ آمر علیم این آیات باهرات محکمات را آنجناب برسانند تا کل از فضل الهی و رحمت نامتناهیش مسرور گردند سروریکه احزان عالم از مقابلهٴ با او عاجز و قاصر باشد و از پی درنیاید فی‌الحقیقه اگر انسان بصیر در آیات منزلهٴ اینظهور اعظم و همچنین در بیانات مشرقه و انوار ساطعه و ظهورات و بروزات عظیمه نظر نماید و تفکّر کند خود را متحیّر مشاهده نماید ولکن حیرتیکه از او فراغت کلّیّه حاصل شود و خود را از دونش غنی و آزاد بیند طوبی لجنابکم و لمن فاز بهذا الفضل العظیم

 ذکر بعضی از نفوس موقنهٴ مطمئنّهٴ آن ارض که صعود نموده‌اند و موجودند از لسان قدم جلّت رحمته و عظم فضله استماع شد لعمر المقصود بشأنیکه اینعبد از احصای آن خود را عاجز مشاهده نمود انّ الأمر بیده یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید و هو المحصی العلیم الحکیم اینعبد خادم فانی خدمت جمیع دوستان آن ارض تکبیر و سلام معروض میدارد و عرض مینماید از حقّ جلّ جلاله میطلبم که هر یک از شما را مؤیّد فرماید بر آنچه عرف خلود از او استشمام شود یعنی عملیکه در کتاب الهی مخلّد ماند طوبی للعاملین طوبی للفائزین

 در این لیلهٴ مبارکه فضل لانهایه از جمال قدم جلّ شأنه و عظم کبریائه و روحی و روح من فی الملکوت و من فی الجبروت و من فی اللّاهوت فداه دیده شد و ذکر جناب مرفوع مغفور مبرور علیه بهآء اللّه و رحمته را مکرّر فرمودند یا لیت فزت بما فاز به بعد العروج و همچنین ذکر سایرین را انشآءاللّه جمیع مستعدّ شوند از برای آنچه که زوال او را اخذ ننماید و حوادث زمان او را تغییر ندهد البهآء المشرق من افق عنایة ربّنا علی جنابکم و علی من معکم و علی الّذین اذا سمعوا النّدآء من سدرة المنتهی قالوا لبّیک یا اله العالمین و مقصود المرسلین

 و اینکه مرقوم داشتند که اگر بخواهند چیزی مرقوم فرمایند نزد که ارسال نمایند این بنده خود حاضر است ولکن یک شرط دارد و آن اینکه از تأخیر جواب مکدّر نشوند چه که بسا میشود در یک روز عدد اربعین او خمسین او ازید او اقلّ عرایض و مراسلات باید در ساحت امنع اقدس عرض کنم و جواب از مصدر امر نوشته ارسال دارم و همچنین خود جواب عرض نمایم در اینصورت واضح و معلوم میشود که فرصت بمثابهٴ عنقاست و مانند صبر نزد عاشق یا ذهب نزد مفلس حقّ شاهد و گواهست حقّ منیع شاهد و گواهست که در لیالی و ایّام اینعبد مشغولست اگر عنایت مقصود عالمیان نباشد اینعبد از عهدهٴ هیچیک برنمیآید از کافّهٴ دوستان الهی و قاصدان کعبهٴ لایزالی متوقّع و مستدعی که از حقّ جلّ جلاله توفیق و تأیید از برای اینعبد مسئلت نمایند که شاید از عهدهٴ این امر خطیر برآیم انّه لهو السّامع المجیب خدمت دوستان آن ارض طرّاً تکبیر و سلام معروض میدارم امیدوارم که هیچ شیء از اشیاء ایشان و دوستان آن اطراف را از مالک اسماء و فاطر سماء منع ننماید بگو بگیرید باسم حقّ جلّ جلاله و بنوشید بذکرش و بگوئید بیادش هذا مبدئکم و هذا معادکم و مآبکم و وطنکم الأعلی و مرجعکم الأسمی الأسنی جهد نمائید تا فی‌الحقیقه باینمقام بلند اعلی فائز شوید انّه یهدیکم الی الأفق الأعلی لا اله الّا هو المبیّن الکریم البهآء الظّاهر من عنایة ربّنا علی جنابکم و اخیکم و من معکم و علی الّذین سمعوا و اجابوا ربّهم السّامع المجیب

 عرض اینفانی آنکه حبیب مکرّم جناب حاجی میرزا حسین علیه بهآء اللّه و عنایته از ارض شین بارض ک‌ر و اطراف بجهة تبلیغ توجّه نمودند و همچنین به نیریز و عریضه بساحت اقدس فرستادند و مخصوص چند نفس الواح بدیعهٴ منیعه خواستند لذا از سماء عنایت نازل نزد آنجناب ارسال شد که بصاحبان الواح در شهر بابک و قصبهٴ راوَزْ برسانند انّه ولیّ المرسلین و مؤیّد العاملین

خ‌ادم

فی ١٠ شهر صفر سنة ١٣٠٠

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ٣٠ ژانویه ۲۰۲٣، ساعت ٢:٠٠ بعد از ظهر

1. ۱ ارقام ٢ و ۵ و ١ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکيل ميدهد. [↑](#footnote-ref-1)